

مسائل

اقتصاد کلان

www.ketab.ir

دکتر عباس شاکری

سرشناسه : شاکری، عباس، ۱۳۳۷ -
 عنوان و نام پدیدآور : مسائل اقتصاد کلان / عباس شاکری.
 مشخصات نشر : تهران: رافع، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۶۴۴ ص.
 شابک : 978-964-6378-33-9
 موضوع : اقتصاد کلان - - راهنمای آموزشی (عالی)
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ش ۲ ف / HB ۱۸۰
 رده‌بندی دیوبی : ۳۳۹/۰۷۶
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۲۵۱۷۷

مسائل اقتصاد کلان

دکتر عباس شاکری

ناشر: انتشارات رافع

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش: نمایشگاه کتاب بیات - ضلع جنوب شرقی میدان انقلاب - پلاک ۱۵۱۲

تلفن: ۳ - ۶۶۵۹۴۵۹۲ و ۶۶۹۶۸۰۷۰

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۷۸-۳۳-۹ ISBN : 978-964-6378-33-9

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	فهرست مطالب
۹	یادداشت مؤلف
۱۱	فصل اول: جایگاه اقتصاد کلان و موضوعات آن
۱۷	فصل دوم: حساب‌های ملی
۴۹	فصل سوم: شاخص‌های قیمت و تبدیل مقادیر اسمی به مقادیر حقیقی
۷۱	فصل چهارم: الگوی درآمد-مخارج یا مدل خط 45°
۱۰۹	فصل پنجم: مقدمه‌ای بر الگوی نئوکینزی و دستگاه $IS-LM$
۱۱۵	فصل ششم: دستگاه $IS-LM$
۱۴۳	فصل هفتم: تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی در الگوی $IS-LM$
۱۸۹	فصل هشتم: تقاضای کل اقتصاد
۲۳۷	فصل نهم: تحلیل اقتصاد کلان باز در دستگاه $IS-LM$
۲۹۱	فصل دهم: بررسی بازار کار
۳۱۷	فصل یازدهم: منحنی عرضه کل اقتصاد
۳۴۵	فصل دوازدهم: الگوی عرضه و تقاضای کل
۳۷۳	فصل سیزدهم: اقتصاد کلان باز در الگوی عرضه و تقاضا
۴۱۵	فصل چهاردهم: نظریات رشد
۴۴۵	فصل پانزدهم: تابع مصرف کل و نظریه‌های مصرف
۴۶۹	فصل شانزدهم: سرمایه‌گذاری
۵۰۳	فصل هفدهم: بازار پول
۵۱۳	فصل هجدهم: تقاضای پول
۵۴۳	فصل نوزدهم: عرضه پول
۵۷۹	فصل بیستم: منحنی فیلیپس
۶۰۷	فصل بیست و یکم: تورم
۶۲۵	فصل بیست و دوم: مکاتب کلان اقتصادی

یادداشت مؤلف

کتاب‌های اقتصاد کلان (۱) و (۲) را به این منظور به رشته تحریر درآوردم که دانشجویان دوره کارشناسی اقتصاد فارغ از دغدغه‌های آزمون‌های رقابت‌آمیز و پرهیز از روش یادگیری تستی در طول ترم، به عمق مسایل اقتصاد کلان پی ببرند. لذا موضوعات اقتصاد کلان را به ترتیب روند تاریخی و به صورت تفصیلی ارائه کردم و برای درک بهتر و آسان‌تر موضوعات کلان طیفی از مسایل آسان و مشکل در پایان هر فصل آورده شد تا دانشجویان با حل آنها کتاب را بهتر درک کنند و نکات تکمیلی مفید دیگر هم بیاموزند. در این کتاب مسایل فوق و حل تفصیلی آنها ارائه شده است. در حقیقت کتاب حاضر حاوی تمرین‌های کتاب‌های اقتصاد کلان (۱) و (۲) و حل تفصیلی آنهاست.

به دانشجویان عزیز توصیه می‌شود برای فهم بیشتر خود از اقتصاد کلان، ابتدا خود مسایل را حل کنند و پس از آن جواب‌های خود را با جواب‌های کتاب مقایسه کنند؛ مراجعه مستقیم به حل مسایل کتاب چه پسا مفید نباشد. بی‌تردید مطالعه کتاب پس از حل اولیه مسایل آن نکات غامض کتاب اصلی را آسان نموده و عمق درک دانشجویان را بیشتر می‌کند. اساساً این کتاب به منظور تکمیل مطالب کتاب‌های اصلی اقتصاد کلان (۱) و (۲) تدوین شد.

در اینجا لازم است از جناب آقای جواد طاهرپور که با پیشنهادات خود و بازخوانی نهایی کتاب زحمات زیادی را متحمل شدند تشکر و سپاس‌گزاری نمایم. خداوند بزرگ را نیز شاکرم که به من فرصت و توفیق داد تا این مجموعه را تدوین نموده و ارائه دهم و برای کارهای بهتر از او استعانت می‌جویم.

عباس شاکری

شهریور ۱۳۸۷

فصل اول

جایگاه اقتصاد کلان و موضوعات آن

۱- آیا اقتصاد کلان قبل از کینز مطرح نبوده است؟ روابط کلان چطور؟ آیا می‌توانید بعضی روابط کلان که در زمان کلاسیک‌ها هم وجود داشته است را مطرح نموده و توضیح دهید؟

پاسخ:

اقتصاد کلان به روشی که کینز مطرح کرد قبلاً مطرح نبوده است؛ البته این بدان معنی نیست که قبل از کینز در مورد متغیرهای کلان مرتبط به کل اقتصاد هیچ صحبتی نشده است، مثلاً نظریه مقداری پول، $M.V = P.Y$ ، از زمان جین بادین (البته به شکل اولیه آن) در قرن شانزدهم وجود داشته است و در مورد ارتباط تولید حقیقی کل با سطح عمومی قیمت‌ها و حجم کل پول بحث کرده است. همه اقتصاددانان قبل از کینز در مورد رشد، سرمایه‌گذاری و پاداش عوامل تولید در مقیاس کل صحبت کرده‌اند اما روش تحلیلی کلان کینز که در آن محصول کل را از طریق تقاضاهای موجود و مخارج انجام شده در اقتصاد اندازه می‌گیرد مسبوق به سابقه‌ای نیست.

۲- می‌دانیم روش تحلیلی تعیین درآمد ملی کلاسیک‌ها روش محاسبه مقدار کل عرضه بر اساس ظرفیت‌های طرف عرضه یا جمع افقی زدن منحنی‌های عرضه در سطح خرد است، اما روش کینز روش محاسبه درآمد ملی از طریق تقاضای کل است. به نظر شما روش کلاسیک‌ها کلی‌تر است یا روش کینزی‌ها؟ کدام روش برای وضعیت‌های رکودی و

اشتغال کامل هر دو مناسب است و کدام روش مختص وضعیت خاص است؟

پاسخ:

روش کینزی کلی‌تر است، به خاطر اینکه محاسبه تولید ناخالص ملی به روشی که کینز مطرح کرد یعنی $Y = C + I + G + X - M$ هم برای شرایط رکود قابلیت کاربرد دارد هم برای شرایط رونق. زیرا در شرایط رکود همان قدر محصول تولید می‌شود که برای آن تقاضا وجود دارد و در شرایط رونق که اقتصاد می‌تواند در وضعیت تعادل قرار گیرد، عرضه و تقاضای کل با هم برابرند و مقدار محصول کل معادل مقدار تقاضای کل است. اما کلاسیک‌ها از طریق جمع زدن عرضه بنگاه‌ها و بازارها به محصول کل می‌رسیدند و این وقتی اقتصاد با مازاد ظرفیت‌های تولید و بیکاری مواجه است موضوعیت خود را از دست می‌دهد و تنها برای شرایط تعادلی (نه رکودی) قابلیت کاربرد دارد. به همین دلیل هم هست که می‌گویند روش کینز یک ابداع است.

۳- اصول موضوعه قانون اسمیت در مورد فعالیت انسان اقتصادی را توضیح دهید و نشان دهید که قانون مذکور قانون رشد و تحقیق و توسعه و پیشرفت فنی هم هست.

پاسخ:

آدام اسمیت می‌گوید فعالیت انسان اقتصادی در محیط رقابت که در قلمرو بازار بر تعقیب نفع شخصی و رفتار عقلایی مبتنی است بطور خودکار موجب افزایش تولید و ثروت می‌شود. اصول موضوعه مبنای این قانون عبارتند از: ۱- وجود محیط رقابت کامل در کسب و کار آن روز انگلستان. ۲- رفتار عقلایی عوامل اقتصادی. ۳- تعقیب نفع شخصی در قلمرو بازار. همانطور که در متن کتاب متذکر شده‌ایم، این قانون بیانگر این است که بنگاه‌ها برای حداکثر کردن نفع شخصی خود در محیط رقابت به ناچار باید سودهای بدست آمده را یا صرف تحقیق و توسعه بنگاه کنند یا صرف گسترش مقیاس. لذا این قانون، قانون رشد نیز هست زیرا به طور مستمر افزایش سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه موجب افزایش تولید می‌شود. تحقیق و توسعه هم که درونی بنگاه شده، موجب پیشرفت فنی مستمر می‌شود.

۴- به نظر شما، از دید کینز در صورت وجود چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها بیکاری بوجود می‌آید یا حتی اگر دستمزدها و قیمت‌ها هم کاملاً انعطاف‌پذیر باشند وضعیت اقتصاد در دهه ۱۹۳۰ به گونه‌ای است که بیکاری حادث می‌شود؟

پاسخ:

اگر انقلاب کینزی را صحیح تفسیر کنیم باید اقتصاد کینزی را طوری معرفی کنیم که در آن حتی اگر همه قیمت‌ها به طور کامل انعطاف‌پذیر باشند در آن بیکاری می‌تواند وجود داشته باشد. اصولاً

در اقتصاد کینزی هم بازار محصول و هم بازار کار با مازاد عرضه مواجه است و مشکل در انعطاف‌ناپذیری دستمزدها نیست. اصولاً انعطاف‌پذیری و یا انعطاف‌ناپذیری قیمت‌ها یک واقعیت بیرونی است و لذا نمی‌تواند محور نظریات باشد. باید توجه داشت وجود بیکاری در اقتصاد کلاسیکی با وجود دستمزدهای بالا و به سمت پایین انعطاف‌ناپذیر سازگار است. در اقتصاد کلاسیکی بیکاری با مازاد عرضه محصول همراه نیست. اما وضعیت اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ طوری بود که در آن مازاد عرضه محصول و مازاد عرضه کار هر دو بطور همزمان به وجود آمده بود. در چنین وضعیتی اگر دستمزدها و قیمت‌ها کاملاً انعطاف‌پذیر هم باشد استمرار بیکاری و عدم تمایل به سمت تعادل امری حتمی است.

۵- ایده‌های محوری کینز که انقلاب فکری وی بر آنها مبتنی بود کدامند؟ توضیح دهید.

پاسخ:

ایده محوری کینز عبارتند از: ۱- وجود عدم اطمینان عمیق در اقتصاد، ۲- وجود رجحان نقدینگی در میان مردم، ۳- کمبود تقاضای موثر، ۴- تبدیل دولت شریک به دولت مداخله گر رفاه، ۵- استفاده از سیاست‌های کسر بودجه به جای توازن بودجه، ۶- به رسمیت شناختن نقش مستقل برای متغیرهای اسمی، ۷- توجه اساسی به درآمد توده‌های مردم جهت تامین تقاضای موثر کافی. برخلاف کلاسیک‌ها که معتقد بودند محیط اقتصادی یک محیط مطمئن است و نااطمینانی‌ها محدود و قابل اداره کردن هستند، کینز معتقد بود به خاطر وجود عدم تعادل و بیکاری و رکود عوامل اقتصادی با عدم اطمینان عمیق مواجه‌اند. لذا وی نقش قراردادهای اسمی را مهم تلقی کرد و به خاطر وجود نااطمینانی و پیدایش هزینه ریسک تقاضای سوداگری پول و رجحان نقدینگی را مطرح کرد.

۶- گفته شده است که در اقتصاد خرد، فرآیند تعدیل بر تعدیل قیمت‌ها مبتنی است و در

اقتصاد کلان، فرآیند تعدیل بر تعدیل مقدار مبتنی است. به نظر شما منظور چیست؟

پاسخ:

در اقتصاد خرد گفته می‌شود که فرآیند تبدیل عدم تعادل به تعادل از طریق تعدیل قیمت‌ها انجام می‌شود، مثلاً اگر بازاری با مازاد عرضه مواجه باشد قیمت محصول در آن بازار کاهش می‌یابد تا میان عرضه و تقاضا تعادل برقرار شود و اگر چنانچه بازار محصولی با مازاد تقاضا مواجه شود قیمت‌ها تا آنجا افزایش می‌یابد که مازاد تقاضای مذکور را از بین ببرد. اما در اقتصاد کینزی وقتی تقاضا افزایش می‌یابد معادل این افزایش تقاضا از موجودی انبار تامین می‌شود، بدون اینکه قیمت‌ها

تغییر کند، یا اگر اقتصاد با مازاد عرضه مواجه شد معادل این مازاد به موجودی انبار اضافه می‌شود و اقتصاد از طریق سازوکار موجودی انبار به تعادل می‌رسد.

۷- قلمروهای خرد و کلان را از دیدگاه‌های مختلف تبیین نمایید و ایراد وارد شده به هر دیدگاه را نیز توضیح دهید.

پاسخ:

به طور معمول گفته می‌شود که اقتصاد کلان در مورد متغیرهای کلان بحث می‌کند؛ متغیرهایی مثل تورم، بیکاری، اشتغال و رشد. اما اقتصاد خرد واحدهای اقتصادی فردی یعنی خانوارها، بنگاه‌ها، ساختار یک صنعت خاص و بازارهای فردی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اما واقعیت این است که مرز دقیق میان این دو ترسیم نشده است و تحولات اخیر در حوزه‌های دانش اقتصاد خرد و کلان موجب شده است که در بعضی موارد هر کدام وارد قلمرو دیگری شود؛ مثلاً در مباحث اقتصاد کلان اخیراً شکل‌گیری انتظارات و به خصوص انتظارات عقلایی مطرح می‌شود در حالیکه این یک موضوع سنتی اقتصاد خرد است.

بعضی‌ها تمایز میان شاخه‌های خرد و کلان را بر مبنای دیگر استوار کرده‌اند و گفته‌اند اقتصاد کلان قلمرو نظری مبتنی بر سیاست است که برای وضعیت‌هایی که اقتصاد دچار عدم تعادل شده و خوب کار نمی‌کند مفید و مناسب است؛ مثلاً تورم و بیکاری که موضوع اقتصاد کلان است دو نمونه از عدم تعادل و ناتوانی عملکرد خودکار سیستم اقتصادی است. اما اقتصاد خرد سیستم اقتصادی را در موقعیت‌هایی که خوب کار می‌کند و دچار عدم تعادل و مشکل نیست و بنابراین به مداخله سیاستی نیاز ندارد، تحلیل می‌کند. برخی به این تقسیم‌بندی نیز ایراد گرفته و گفته‌اند که امروزه اقتصاد خرد در مورد کالاهای عمومی، اقتصاد اطلاعات و اطلاعات نامتقارن، انحصار طبیعی و صرفه‌های مقیاسی که همه مصادیقی از شکست بازار و مداخله سیاسی هستند و از طرف دیگر اقتصاد کلان جدید هم به سمت عدم نیاز به مداخله سیاستی و بی‌تأثیری آن متمایل است.

عده‌ای دیگر گفته‌اند اقتصاد خرد و کلان هر دو در مورد نحوه تعدیل اقتصاد وقتی عدم تعادل و عدم توازن میان عرضه و تقاضا وجود دارد بحث می‌کنند اما سازوکار تعدیل هر کدام متفاوت است؛ در اقتصاد خرد بر سازوکار تغییر قیمت برای ایجاد تعادل و تسویه بازارها تأکید می‌شود اما در اقتصاد کلان، نظریه قیمت کلاسیکی موضوعیت چندانی ندارد، بلکه با مواجهه با عدم تعادل در عرضه و تقاضا این مقدار است که برای تعدیل اقتصاد به سمت تعادل عمل می‌کند.

به نظر نگارنده موضوع اقتصاد خرد تحلیل اقتصاد در قلمرو رفتار عوامل اقتصادی فردی و بازارهای فردی است اما موضوع اقتصاد کلان مدیریت اقتصاد کلان از طرف تقاضا در مواجهه با رکود بزرگ است و روشی است که مداخله دولت در مدیریت تقاضا به منظور نزدیک کردن اقتصاد